



عالمی که در دنیا و آخرت در مجاورت اهل بیت قرار دارد/ چرایی تعامل شیخ با سلاطین صفوی

بی‌تردید شیخ بهایی از علمای برجسته جهان تشیع است که خدمات فراوانی نه تنها برای این مذهب، بلکه برای جهان داشته است؛ ولی بعضاً شبهاتی همانند «چرایی تعامل شیخ با سلاطین صفوی» درباره این عالم بزرگوار مطرح می‌شود که نمی‌توان در برابر این شبهات چشم‌ها را بست و بی‌توجه از کنار آن‌ها گذشت.

بی‌تردید شیخ بهایی از علمای برجسته جهان تشیع است که خدمات فراوانی نه تنها برای این مذهب، بلکه برای جهان داشته است؛ ولی بعضاً شبهاتی همانند «چرایی تعامل شیخ با سلاطین صفوی» درباره این عالم بزرگوار مطرح می‌شود که نمی‌توان در برابر این شبهات چشم‌ها را بست و بی‌توجه از کنار آن‌ها گذشت.

به گزارش سرویس اندیشه خبرگزاری رسا، دوازدهم شوال المکرم سال 1031 هجری قمری سالروز رحلت شیخ بهایی است که نام کامل ایشان بهاءالدین محمد بن الحسین بن عبدالمحمد حارثی همدانی عاملی جبع بود که ساکن اصفهان بوده است. به شیخ بهایی «حارث همدانی» می‌گویند، چرا که نسب ایشان به حارث همدانی یار باوقای امیرالمومنان(ع) می‌رسد و خود همدان نیز قبیله‌ای از قبایل یمن است که از دوستان و دوستان امیرالمؤمنان(ع) بودند و حارث همدانی در ولایت‌مداری به علی(ع) معروف بود و همچنین طایفه ایشان نیز به دوستان و دوستان امیرالمؤمنان(ع) شهرت داشتند.

شیخ بهایی از جایگاه علمی والایی برخوردار بوده به گونه‌ای که هر یک از علمایی که سخن از ایشان به میان می‌آورند با عظمت از او یاد می‌کند. برای نمونه مرحوم حر عاملی در کتاب «عمل العامل» درباره شخصیت شیخ بهایی می‌فرماید «این بزرگوار از نظر فکر، علم، فقاقت، فضل، جلالت قدر، موقعیت، تألیفات خوب، سلیس و روان بودن قلم، حال این بزرگوار روشن‌تر از این است که ما درباره ایشان مطلبی بگوییم و شیخ بهایی از مهارت ویژه‌ای برخوردار بود.» و یا مرحوم تفرشی در «نقدالرجال» می‌فرماید «شیخ بهایی، این بزرگوار جلیل‌القدر و عظیم‌المنزله است و من برای ایشان نظیری ندیدم که کسی وجود داشته باشد که در فنون اسلامی وارد باشد.» و هکذا... . شیخ در متون مختلفی تخصص داشته و علمی را دارا بود که همه را مبهوت خود کرده بود؛ از این رو تمایلی بسیاری داشت که اختلاف و همنشینی با حکام و سلاطین نداشته باشد تا بتواند به کارهای خویش برسد؛ اما بالاخره موقعیت او طوری بود که نمی‌توانست به این آرزوی خود جامه عمل بپوشاند. ایشان تألیفات زیادی در مباحث فقهی، علوم قرآنی، حدیث و اصول فقه، اعتقادی و ادبی داشت و بسیاری از آن به چاپ رسیده است.

شیخ بهایی از توجه و عنایت ویژه اهل‌بیت(ع) نیز برخوردار بوده که نقل می‌کنند: آقای عزالدین قاضی‌القضات اصفهانی نقل می‌کند که شبی خواب یکی از آئمه معصوم(ع) را می‌بیند که به من فرمود کتاب «مفتاح‌الفلاح» را نسخه‌برداری کن و به آن عمل کن. قاضی‌القضات اصفهانی می‌گوید «از خواب پریدم و هرچه فکر کردم تاکنون چنین کتابی ندیده و نشنیده بودم و حتی علمای اصفهان نیز از آن خبر نداشتند. در آن زمان به دلیل لشکرکشی در برخی از نقاط کشور مرحوم شیخ بهایی در جبهه بود؛ لذا وقتی شیخ بهایی بعد از مدتی به اصفهان بازگشت از ایشان پرسیدم آیا کتابی با عنوان مفتاح‌الفلاح سراغ دارید؟» و شیخ بهایی در پاسخ او گفت «بله من چنین کتابی را در سفر نوشته‌ام اما تا به حال آن را به احدی نشان نداده‌ام» و قاضی‌القضات اصفهانی می‌گوید «من امام معصوم را در خواب دیدم و ایشان فرمودند که بر عمل به این کتاب مداومت داشته باشم» که شیخ بهایی با شنیدن این مسئله بسیار گریست و کتاب را به او داد و گفت «از آن نسخه‌برداری کن.»

ندایی که شیخ قبل از رحلتش شنید

شیخ بهایی از چشم و گوش برزخی نیز برخوردار بوده و مرحوم مجلسی بزرگ پدر علامه مجلسی در این‌باره می‌فرمایند «6 ماه قبل از رحلت مرحوم بهایی، خود ایشان ندایی را از قبر «بابا رکن‌الدین» می‌شنود که «شیخ در فکر خود باش!» در حالی که من نزدیک شیخ بهایی بودم اما متوجه این صدا نشدم. شیخ رو به من کرد و گفت صدا را شنیدید؟ گفتم خیر؛ ایشان گریست و دست به دعا برداشت. بعدها که ما اصرار کردیم، شیخ بهایی گفت به من خبر دادند آماده مرگ شو و بعد از 6 ماه ایشان رحلت کرد و بنده به اتفاق تمام طلاب و فضلاء اصفهان و مردم عادی که حدود 50 هزار نفر می‌شدیم، به تشییع ایشان رفتیم.»*

داستان طلسم شیخ بهایی در حرم امام رضا(ع)

پیرامون چگونگی ساخت حرم مطهر رضوی آمده است «در مورد نقشه و ساخت حرم مطهر و ملکوتی امام علی بن موسی الرضا(ع) توسط شیخ بهایی(قدس سره) یکی از مسئولین آستان قدس رضوی تعریف می‌کرد: شیخ بهایی پس از طراحی حرم، در هنگام ساخت آن، خود بر

کلیه امور نظارت داشته‌اند و تمام مراحل ساخت حرم نیز تحت نظارت و کنترل ایشان انجام می‌شده است. قبل از آنکه ساخت حرم به اتمام برسد، برای جناب شیخ، سفر مهمی پیش می‌آید. شیخ سفارش‌های لازم را به معماران و مسؤولان ساخت حرم کرده، بسیار سفارش می‌کنند که کار را متوقف نکنند و ساخت حرم را پیش برده به اتمام برسانند؛ به جز سر در دروازه اصلی حرم (دروازه ورودی به حرم و ضریح مقدس، نه دروازه صحن) چرا که شیخ در نظر داشته روی آن کتیبه‌ای را که از اشعار خودش بوده نصب نماید. رسم است بر سر در اصلی یا دروازه ورودی به حرم ائمه اطهار (ع) و حتی امامزادگان مطهر، کتیبه‌ای نصب می‌شود و در شأن آن بزرگوار روایت، جمله یا شعری نوشته می‌شود. گاهی نیز روایت یا حدیثی از خود آن بزرگوار روی کتیبه نوشته می‌شود. به هر حال، سفر شیخ به درازا می‌کشد و بیش از زمان پیش بینی شده در سفر می‌ماند. هنگامی که از سفر باز می‌گردد و جهت سرکشی کارهای ساخت و ساز به حرم مطهر می‌رسد، با تعجب بسیار می‌بیند که ساخت حرم به پایان رسیده، سر در اصلی تمام شده و مردم در حال رفت و آمد به حرم مقدس هستند. شیخ با دیدن این صحنه، بسیار ناراحت می‌شود و به معماران اعتراض می‌کند که «چرا منتظر آمدن من نماندید؟ چرا صبر نکردید؟»

مسؤول ساخت عرض می‌کند: «ما می‌خواستیم صبر کنیم تا شما بیایید، اما تولیت حرم نزد ما آمدند و بسیار تأکید کردند که باید ساخت حرم هر چه سریع‌تر به پایان برسد. هر چه به او گفتیم که باید شیخ بیاید و خود بر ساخت سر در دروازه نظارت مستقیم داشته باشد، قبول نکردند. وقتی زیاد اصرار کردیم، گفتند: کسی دستور اتمام کار را داده که از شیخ خیلی بالاتر و بزرگ‌تر است. ما باز هم اصرار کردیم و خواستیم صبر کرده، منتظر شما بمانیم.

در این زمان تولیت حرم گفتند: خود آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام دستور اتمام کار را داده‌اند. شیخ بهایی قدس سره همراه مسؤل ساخت پروژه و معماران نزد تولیت حرم می‌روند و از تولیت در این مورد توضیح می‌خواهند. تولیت حرم نقل می‌کند: چند شب پی در پی آقا امام رضا علیه السلام به خواب من آمده و فرمودند: «کتیبه شیخ بهایی، به در خانه ما زده نشود، خانه ما هیچ‌گاه به روی کسی بسته نمی‌شود و هر کس بخواهد می‌تواند بیاید.» شیخ با شنیدن این حرف، اشک از چشمانش جاری می‌شود و به سمت ضریح می‌رود و ذکر «یا ستار العیوب» بر لبانش جاری می‌شود. سپس در کنار ضریح آن قدر گریه می‌کند تا از هوش می‌رود. پس از به هوش آمدن خود چنین تعریف می‌کند: من می‌خواستم یکی از طلسم‌ها را به صورت کتیبه‌ای بر سر در ورودی حرم بزنم، با این اثر که افرادی که آمادگی لازم را ندارند، نمی‌توانند وارد حرم مطهر و حریم مقدس حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام شوند؛ اما خود آقا نپذیرفتند و در خواب به تولیت آستان از این اقدام ابراز نارضایتی فرمودند. «*»

زندگی علمی

شیخ از محضر اساتیدی همانند «شیخ عزالدین حسین عاملی»، «عبدالله بن شهاب‌الدین حسین یزدی معروف به ملاعبدالله یزدی»، «مولانا افضل قاینی»، «حکیم عماد الدین محمود»، «ابی الطیف مقدسی» و «ملا محمد باقر یزدی» بهره برده و توانسته تعداد زیادی شاگرد همانند «ملا محمد محسن بن مرتضی بن محمود فیض کاشانی»، «سیدمیرزا رفیع‌الدین محمد بن حیدر حسینی طباطبایی نائینی»، «ملا محمد تقی بن مقصود علی مجلسی، معروف به مجلسی اول»، «صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی، معروف به ملاصدرا» و «ملا محمد باقر بن محمد مؤمن خراسانی سبزواری، معروف به محقق سبزواری» را تربیت کند. تألیفات ایشان براساس پژوهش یکی از محققان بالغ بر 95 کتاب و رساله است. برخی از نویسندگان نیز آثار او را 120 عنوان ذکر کرده‌اند.

شخصیت ادبی

شیخ بهائی آثار برجسته‌ای به نثر و نظم پدید آورده است که افزون بر فارسی و عربی ترکی را نیز شامل می‌شد. اشعار فارسی او عمدتاً شامل مثنویات، غزلیات و رباعیات است. وی در غزل به شیوه فخرالدین عراقی و حافظ، در رباعی با نظر به ابو سعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری و در مثنوی به شیوه مولوی شعر سروده است. ویژگی مشترک اشعار بهائی میل شدید به زهد و تصوف و عرفان است. بهترین منبع برای گردآوری اشعار بهائی، کَشکول است تا جائی که به عقیده برخی محققان، انتساب اشعاری که در کَشکول نیامده است به بهائی ثابت نیست.

زندگی سیاسی شیخ بهایی

محمد بن حسین عاملی در مدت 78 سال عمر خود با چهار تن از سلاطین صفوی معاصر یعنی شاهان طهماسب، اسماعیل دوم، محمدخداوند و عباس اول بوده است ولی عمده فعالیت سیاسی او در دوره دو پادشاه آخر گذشته. وی در سال 966 هجری قمری در حالی که سیزده سال داشت به همراه پدر به دلیل افزایش تهدیدات حاکمان عثمانی نسبت به شیعیان جبل عامل و احترام فراوان حاکمان آن زمان ایران (پادشاهان صفوی) به عالمان دینی به ایران مهاجرت می‌کند.

پدر شیخ با توجه به پیشینه علمی و فقهی به سمت شیخ الاسلامی قزوین و سپس شیخ الاسلامی مشهد و هرات منصوب می‌شود که در تمام این چهار سال شیخ در کنار پدر بوده و با مسائل این سمت آشنا می‌شود. پس از وفات پدر نیز به همین سمت در برخی شهرها منصوب می‌شود.

چرایی همکاری شیخ بهایی با سلاطین صفوی

عمده فعالیت‌های سیاسی شیخ بهایی در عهد شاه عباس اول در سمت‌های مختلفی صورت گرفته است. برخی نیز ایرادهای بر عملکرد سیاسی وی می‌گیرند و می‌گویند «وی ضمن همکاری با سلاطین صفوی در قالب پذیرش منصب شیخ الاسلامی، در مدح آن‌ها کتاب‌های مختلفی را تألیف کرده که این‌ها نشان می‌دهد وی از تضاد و دوگانگی در نظر و عمل سیاسی برخوردار بوده است.»

افرادی نیز در مقام پاسخ به این ایرادها بر آمده‌اند و بیان می‌کنند: شیخ به دلیل تقیه، مصلحت عامه و اقامه امر به معروف و نهی از منکر با سلاطین صفوی تعامل داشته است. امام خمینی (ره) نیز در رد این‌گونه شبهات می‌فرماید «...می‌بینیم که یک طایفه از علما این‌ها گذشت کرده‌اند از یک مقاماتی و متصل شده‌اند به یک سلاطین با این که می‌دیدند مردم مخالف‌اند؛ لکن برای ترویج دیانت و ترویج

تشیع اسلامی و ترویج مذهب حق، این‌ها متصل شده‌اند به یک سلاطین و این سلاطین را وادار کرده‌اند خواهی نخواهی برای ترویج مذهب تشیع و این‌ها آخوند درباری نبودند. این اشتباهی است که بعضی نویسندگان ما می‌کنند. اطرافیان سلاطین این آقایان بودند. اینها اغراض سیاسی داشتند، اغراض دینی داشتند. نباید یک کسی تا به گوشش می‌خورد که مثلاً مجلسی رحمه الله، محقق ثانی رحمه الله، شیخ بهایی رحمه الله با این‌ها روابط داشته‌اند و می‌رفتند سراغ این‌ها، همراهی‌شان می‌کردند، خیال کنند که اینها مانده‌اند برای جاه و عزت و احتیاج داشتند به این که سلطان حسین و شاه عباس به آن‌ها عنایتی بکنند. این حرف‌ها نبوده در کار، آن‌ها گذشت کردند، یک مجاهده نفسانی کرده‌اند برای این که مذهب را به وسیله آن‌ها، به دست آن‌ها ترویج کنند.»***

افرادی نیز در پاسخ به ایراد «مدح سلاطین معاصر و تألیف کتاب و رساله به نام آن‌ها» تأکید می‌کنند «اولاً این تلاش‌ها برای حفظ و ترویج آثار بوده است. ثانیاً وی تنها عدالت و جلوه‌های اقتدار شاهان صفوی را ستوده نه تقوا و پرهیزگاری آن‌ها را. ثالثاً وی تنها شاهان معاصر را ستوده نه دودمان صفوی را که ممکن است این تعریف به اجبار برای تأیید اقتدار شاهان شیعی در برابر حکومت رقیب یعنی عثمانی بوده است.»

این عالم برجسته افزون‌بر تبحر در علوم مختلف همانند فلسفه، منطق، هیئت و ریاضیات در بحث معماری سرآمده دوران خود یعنی عصر صفوی بوده و همچنان شاهکارهای معماری وی در میان شاهکارهای دیگر می‌درخشد. چنانکه گرمابه ساخته شده از سوی ایشان یکی از عجایب دنیای معماری به شمار می‌آید.

در شرح حال این گرمابه بیان می‌کنند که با یک شمع همیشه روشن گرم می‌شده است، ولی متأسفانه از سوی استعمارگران برای همیشه شمع این آثار ملی ساخته دوران صفوی - قاجار خاموش و کتابی که چگونگی کار این شمع در آن نوشته شده بود به غارت می‌رود، همچنان نسخه اصلی این کتاب در کتابخانه‌های واتیکان، برلین، لندن و ترکیه موجود است. بنابر نقلی مشهور زمانی که تعدادی محقق انگلیسی می‌خواستند راز گرم شدن این حمام به کمک شمع را بفهمند، با دستکاری در معماری بنا باعث شدند که شمع حمام نیز با مشکل مواجه شود و از آن زمان دیگر این شمع روشن نشده است.

چگونه یک شمع گرمابه ساخت شیخ بهایی را گرم نگه می‌داشت؟

برخی از متخصصان امر معماری می‌گویند که این حمام با استفاده از یک سیستم پیچیده مهندسی به مدت طولانی تنها با یک شمع روشن می‌شده است. ولی قابل قبول‌ترین نظریه این است «یک سیستم سفالینه لوله کشی زیرزمینی در حد فاصل آبریزگاه مسجد جامع و این حمام وجود داشته که با روش مکش طبیعی، گازهایی مانند متان و اکسیدهای گوگردی را به مشعل خزینه حمام هدایت می‌کرده و این گازها به عنوان منبع گرما در مشعل خزینه می‌سوخته است. در واقع شیخ بهایی طبق محاسباتی دقیقی خزینه حمام را به گونه‌ای طراحی کرده بود که فاضلاب این مکان تبدیل به گاز متان شود. همچنین بخشی از لجن‌های ته نشین شده در این مکان برای تولید بیوگاز مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ بدین شکل که شیخ بهایی با محاسباتی حجم لجن مورد نیاز برای تولید بیوگاز را مشخص کرده بود و گاز تولید شده به وسیله شعله‌هایی مخزن آب حمام را گرم می‌کرد. بنابراین آب این حمام با سیستم «دم و گاز» یعنی به کمک گاز متان فاضلاب مسجد جامع و چکیدن روغن عصارخانه شیخ بهایی (عصارخانه محلی برای تهیه روغن از دانه‌های روغن بوده است) در مجاورت حمام روشن می‌شده است.»

ولی در سال‌های اخیر یک مخترع مشهدی پس از 300 سال با شبیه سازی حمام شیخ بهایی به راز این موضوع پی‌برد. علی‌اصغر برهمند، رییس انجمن مخترعان خراسان رضوی و طراح شبیه سازی حمام شیخ بهایی مدعی شد که منبع آب این گرمابه از طلا بوده و با توجه به این که طلا رساناترین فلز انتقال گرما است، با حرارت کم انرژی زیادی تولید و آب منبع گرم می‌شده است. در طرح شبیه سازی شده به علت دسترسی نداشتن به طلا، از مس استفاده شده که در حمام منازل هم قابل استفاده است و موجب صرفه جویی 30 درصدی در مصرف سوخت می‌شود.

ساخت مسجد چهار باغ به روی لجنزار

کار مهم دیگر شیخ بهائی بنای مسجد مشهور چهار باغ است که چون در مسیر یکی از کانال‌های آب زاینده رود قرار داشت و امکان پی‌ریزی ساختمان عظیم و سنگی آن مواجه با اشکال می‌گردید و ساختمان مذکور هم نمی‌توانست روی سطح مرداب و لجن‌های موجود در اطراف آن قرار گیرد و امکان هرگونه خطر برای ساختمان و به ویژه برای دیوارهای جانبی گنبد و مناره‌ها وجود داشت، (این کانال هنوز از وسط مدرسه چهارباغ اصفهان عبور می‌کند) دست به یک ابتکار زد. شیخ برای اجرای صحیح این کار پیشنهاد کرد که نخست، مقدار زیادی زغال چوب به ضخامت 2 متر در سرتاسر پی ساختمان پراکنده گردد و پس از کوبیدن زغال در کف پی‌ها روی آن را با ساروج و شفته پر کرده و پی‌های ساختمان را روی ساروج و شفته مذکور بنا نمایند. این روش که عبارت است از استفاده از زغال چوب برای پی ساختمان‌های روی مرداب و لجن زار است، بعدها مورد توجه اروپائیان قرار گرفت و پی و شالوده ساختمان‌های عظیم خود را بدین طریق ساختند و هنوز هم در بعضی از نقاط به همین روش عمل می‌کنند.

البته ناگفته نماند چون باید ملات گل ساختمان مسجد بهم در آمیخته و با پا و سایر وسایل بخوبی مخلوط شود و از آنجا که هر چه ملات بیشتر پا بخورد چسبندگی گل بهتر شده و خوب عمل می‌آید، از این لحاظ به دستور شیخ بهائی ابتکاری برای هر چه بیشتر پا زدن گل‌ها بکار برده شد که ملات بنای مسجد هر روز زیر پای مردم و کودکان اهل اصفهان بلا وقفه پا بخورد و بهم مخلوط و آمیخته گردد. ابتکار شیخ بهائی این بود که دستور داد که هر روز صبح چند سکه طلا را در خاک ملات‌ها بریزند و سپس گل ساخته و به مردم اطلاع دهند که بیایند و سکه‌ها را برای خود بیابند. مردم گروه گروه گل ملات‌ها را از صبح لگدمال کرده و تا غروب آنروز تعدادی سکه برای خود می‌جستند و بدین طریق گل ملات‌ها کاملاً به هم آمیخته و به قول معمارها عمل می‌آمد، یعنی همین کاری که امروزه هم برای گل خاک رس کاشی سازی به وسیله ماشین‌های مکانیکی مخلوط کن انجام می‌گیرد.

تقسیم آب زاینده رود

نخستین کار جالب شیخ بهایی تقسیم صحیح و طریقه مهندسی آب زاینده رود به محله‌ها و باغات شهر اصفهان بوده است، وی با محاسبه دقیق و بدست آوردن آمار بارندگی مناطق مختلف اصفهان، حومه و کوهستان‌های اطراف و همچنین سرچشمه زاینده رود، طرح دقیق نهرها و شیب و مقطع آن‌ها و سهم استفاده آب هر باغ و محله و منزل، به مشگل و اختلاف چندین ساله این منطقه پایان داد. این منطقه تا قبل از تقسیم آب همیشه در حال نزاع و جنگ و خونریزی قبیله‌ای برای تقسیم آب بود و با این کار شیخ بهائی این گرفتاری برای همیشه خاتمه پیدا کرد. بر اساس این رساله یا آئین نامه که امروزه به آن دفترچه مشخصات فنی می‌گویند، تقسیم بندی و استفاده صحیح از آب زاینده رود قانونمند شد و هنوز بر مبنای همان رونوشت تقسیم مقدار آب با توجه به حرکت و سرعت و کشش و شیب و حجم مناطق زراعی و باغ‌ها و یا برای استفاده عامه مردم مشخص و معلوم شده است.

جالب‌ترین محاسبه شیخ بهائی در این است که فصل سیلابی زاینده رود را طی 197 روز اوایل آذر ماه و سپس مدت 168 روز برای جریان عادی و منظم بررسی و محاسبه کرده است. جالب‌تر آن‌که این مدت زمان تغییرات و نوسانات تا به امروزه با آمار متوسط عوامل جوی اصفهان منطبق بوده و اصالت خود را حفظ کرده است. شیخ بهائی طرز تقسیم بندی جریان آب زاینده رود را با توجه به محاسبات خیلی دقیق به 33 سهم تقسیم نموده که هر سهم معادل 5 شبانه روز قسمتی از آب رودخانه است که باید آب موجود در رودخانه به هر محله سرازیر شود که امروزه با نصب دستگاه‌های مختلف آب سنج‌ها در نقاط زاینده رود به همان نتیجه رسیده‌اند که وی در 420 سال قبل رسیده بود.

سرانجام شیخ بهایی، این عالم بزرگوار که به جهان بشریت خدمات متعددی کرد، چشم از جهان بست و در مشهد مقدس در خانه خویش به خاک سپرده شد و در حال حاضر آن خانه نیز جزو حرم مطهر علی بن موسی‌الرضا(ع) است که بدین ترتیب باید گفت شیخ بهایی هم در دنیا و هم در آخرت مجاور اهل‌بیت(ع) قرار دارد.

/993/503/ر

گردآورنده: محمد راستگردانی

منابع:

*برگرفته از سخنان استاد نجم‌الدین طوسی

** کتاب دلشدگان، نوشته محمد لک علی آبادی

*** دهم آبان‌ماه سال 1356 به مناسبت شهادت سید مصطفی خمینی در مسجد شیخ انصاری نجف